



# همبستگی هفتگی

# ۱۸

۶ مهر ۱۳۸۰  
۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱

www.hambastegi.org

نشریه هفتگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

## همبستگی هفتگی

جمعه ها منتشر میشود

سردبیر: مهرنوش موسوی

دستیار سردبیر: امیر توکلی

تلفن: 00 49 1757 402 582

فکس: 00 358 631 542 53

mehrnousch@aol.com

tavakoli@hotmail.com

## زندگی من

## در آتش

## اسلام سوخت!

صفحه ۴

اطلاعیه مطبوعاتی ۲

## سومین کنفرانس مدوسا

## نه روسی نه توسی

## جنبش برابری طلبی زنان در ایران از ۱۳۵۷

مدوسا سومین کنفرانس خود را در لس آنجلس، آمریکا در تاریخ ۲۶ تا ۲۸ اکتبر ۲۰۰۱ برابر با ۴ تا ۶ آبان ۱۳۸۰ برگزار میکند. جنبش برابری طلبی زنان از انقلاب ۵۷ وارد دوره نوینی شد و دچار تحولات بسیار عمیقی گردید. در کنفرانس سوم مدوسا این جنبش، تحولاتی که از سرگذرانده، و آینده آن از زوایای مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار میگیرد.

لیست سخنرانانی که تاکنون قطعی شده است:

شهره آغداشلو، مینا احدی، مهناز افخمی، الهه امانی، هما سرشار، نهضت فرنودی، اعظم کم گوین، آذر ماجدی، آذر نفیسی، پرتو نوری علاء

محل کنفرانس: دانشگاه یوسی ال ا

علاقتمندان شرکت در کنفرانس میتوانند از طریق زیر با ما تماس بگیرند.

تلفن: ۴۴: ۷۷۶ ۵۳۳ ۵۰ ۱۷

فکس: ۴۴ ۸۷۰ ۱۳۵ ۸۳ ۸۵:

ای میل: azarmajedi@yahoo.com

## حکم ضد انسانی یک فاشیست اسلامی!

«حتی به یک مهاجر افغانی اجازه ورود به خاک ایران را نمیدهیم.»

مهرنوش موسوی



مهرنوش موسوی

میکنند و خطاب به مردم شریف و قربانی تروریسم برادران اسلامی شان در طالبان چین با بیشرمی سخن میگویند. مردم ایران باید که در این اوضاع سیاسی وخیم به کمک و همسرنوشتی با مردم رنج دیده افغانستانی بشتابند. این مردم قربانی همین جانورانی هستند که در ایران هم بساط مسجد و قتل و قرآن را پهن کرده اند. در واقع ۱۱ سپتامبر مردم دنیا و وجدان بیدار بشریت حاضر عمق وحشیگری آنها را نظاره کرد. دور نیست که همراه دارو دسته طالبان تروریسم اسلامی حاکم در ایران هم به زیر کشیده شود. از این سرنوشت حتی با کمک سران ناتو و نوازشهای آمریکا هم نجاتی نیست.

«ملت مظلوم و مسلمان افغانستان» تروریسم و وحشیگری اسلامی را توجیه میکنند، کسانی که ادعا میکنند که کل وحشیگری و ترور و قتل و جنایت را به خاطر مقابله با ظلم و ستمی که مردم افغانستان و فلسطین روا داشته میشود انجام داده اند، خود این جانین خطاب به مردمی که آواره شده اند در کمال بی شرمی افتخار میکنند که بگویند: اینک شما و کودکانتان آواره و حتی جایی برای خواب ندارید به ما و اسلام ربطی ندارد. به اسم همین مردم بودجه های میلیون دلاری و رشوه ناتو و آمریکا را برای ساکت کردنشان بالا کشیده اند و رویه خود همین مردم افتخار میکنند که بگویند حتی یک افغانی را نمیگذاریم از مرز عبور کند. سردار اسلام حمیدرضا حسین

## دیدار ما در برلین!



نسان نودینیان

در آوردن مردمیکه از چنگ، صفحه ۳

روز ۲۹ سپتامبر روز پناهنده در آلمان است. در این روز هزاران پناهجو، حزب، سازمان، انجمن و تشکل طرفدار حقوق مدنی پناهجویان در برلین تجمع میکنند، تا به مشقات و اعمال فشار و نقض حقوقی انسانی دهها هزار پناهجو که از نقاط مختلف دنیا به آلمان آمدهاند، اعتراض کنیم.

با تلاشهای شبانه روزی همبستگی حکم اخراج یک زن و فرزندانش لغو شد!

صفحه ۲

## تراژدی جدایی و طلاق زن در ایران!

صفحه ۴

## مرگ بر جمهوری اسلامی!

## گزیده ای از اطلاعاتی های فدراسیون سراسری پناهندگان

### با تمام قدرت از حق پناهندگی دفاع میکنیم!

است. امروز بیش از هر زمان دیگری روز ماست. روز اعتراض و تشکل. روز وارد شدن در این جدال تاریخی و کوبیدن مهر مطالبات خود. زندانها و سرنوشت‌های شوم فردا با سکوت یا مبارزه ما؛ با دخالت مدام و فعالانه تک تک ماها گره خورده است.

همبستگی-فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی-واحد المان اعلام می کند که طرح تغییر قوانین پناهندگی را طرحی برای پاکسازی نژادی از پناهنده میدانند؛ و سختتر کردن شرایط پناهندگی را اقدامی آشکارا ضد انسانی میدانند. و با تمام قوا به مقابله با آن میپردازد. بدین منظور کمپین بزرگی را در دستور کار خود گذاشته و کلیه پناهندگان و پناهجویان ایرانی را به شرکت گسترده در این اعتراضات فرا میخواند.

پیروز باد جنبش دفاع از حق پناهندگی  
همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - واحد المان  
۲۵ سپتامبر ۲۰۰۱

دولت آلمان سرسختانه تلاش میکند شرایط سختتری را به پناهندگان تحمیل کند. و راسیسم و تعرض روزمره به جان و امنیت هزاران انسان را در جامعه نهادینه کرده و برایش حمایت قانونی ایجاد کند. میخواهند امنیت و زندگی هزاران پناهنده را در زیر چکمه های پلیسی خود قرار دهند. طرح تصویب سیاهترین قوانین را برای پناهندگان ریخته اند و مشتاقانه برایش روز شماری میکنند.

طرح جدید قرار بود ۲۶ سپتامبر به تصویب برسد؛ اما تصویب طرح را به تعویق انداختند. احزاب پارلمانی برافشته شدند؛ به کندی پیشرفت کار اعتراض دارند؛ در عین حال هنوز طرح را برای امنیت خود کافی نمیانند. نخست وزیر مرتب به وزیر داخله اش نق میزند؛ و خواهان سختتر شدن قوانین است؛ تا دیگر تروریستی وارد خاک آلمان نشود. وزیر داخله ایالت بایرن در کمال پرویی اعلام میدارد هر خارجی برای ما مشکوک است.

از سوی دیگر جبهه دیگری در مقابل این تعرضات راسیستی دولت در حال شکل گیری است. نیروهای مترقی جامعه دارند خط خود را از دولتشان جدا میکنند. و به صف دفاع از حق انسانی پناهندگان میپیوندند. جدال و کشمکش بزرگی در شرف وقوع

### با تلاشهای شبانه روزی همبستگی حکم اخراج یک زن و فرزندانش لغو شد!

با اقدام به موقع و سریع دفتر فدراسیون پناهندگان ایرانی در مالمو، سوئد و حمایت مردم حق طلب و آزادی خواه موفق شدیم حکم دیپورت نسرین خوشبین و دو فرزند خرد سال او را منتفی کنیم. نسرین و فرزندانش در بازداشتگاه بسر می بردند و قرار بود روز دوشنبه ۲۴ سپتامبر به ایران دیپورت شوند. دفتر فدراسیون از روز سه شنبه ۱۸ سپتامبر اقدامات همه جانبه ای را برای جلوگیری از دیپورت نسرین خوشبین و فرزندانش را سازمان داد. تلاش های حقوقی و پزشکی، سازمان دادن تظاهرات در مقابل بازداشتگاه و بسیج افکار عمومی از جمله اقدامات فدراسیون در چند روز اخیر بودند. مجموعه این تلاش ها باعث شد که حکم دیپورت لغو شود و نسرین و فرزندانش از بازداشتگاه آزاد گردند. ما این پیروزی را به همه پناهجویان و تمام کسانی که در مقابل این حکم غیر انسانی تلاش کردند تبریک می گوئیم. تنها با اتحاد و تشکل می توان به حقوق خود دست یافت و سدی در مقابل سیاست های ضد انسانی ایجاد کرد.

دبیر همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - واحد مالمو  
هوشنگ ایرملو  
۲۵ سپتامبر ۲۰۰۱

### فراخوان به تظاهرات!

۲۹ سپتامبر روز پناهنده را به روز اعتراض وسیع علیه طرح راسیستی شیلی وزیر داخله دولت آلمان تبدیل کنیم

شنبه ۲۹ سپتامبر ساعت ۱۲

Alexanderplatz برلین

همبستگی-فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی-  
واحد آلمان

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران  
\_ آلمان

کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان - آلمان

شماره تماس ۹۴۶ ۵۳۵۰ ۰۱۷۲

### خطر اخراج ۴۰۰۰ پناهجوی کرد عراقی از سوئد

کرد بر مردم کردستان عراق را تداوم بخشد. این بدین معناست که مردم کردستان عراق سالهای سال باید زیر فقر، نداری و بی حقوقی زندگی کنند.

فدراسیون پناهندگان ایرانی واحد سوئد، قویاً این حرکت دولت سوئد و اداره امور مهاجرین را محکوم میکند و خواستار لغو اخراج پناهجویان کرد عراقی است. ما از همگی پناهجویان انتظار داریم که در دفاع از حقوق شهروندی خود و پناهجویان کرد عراقی تلاش کنند. اعتراضات برحق شما میتواند سیاستهای غیرانسانی را به عقب براند. فدراسیون پناهندگان ایرانی با تمام تلاش از اعتراضات شما پناهجویان پشتیبانی مینماید و تلاش میکند نیروی محکم و استوار در تقویت اعتراضات شما باشد.

فدراسیون پناهندگان عراقی باید بداند که فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در سوئد وظیفه خود میداند که اعتراضات آنها به اخراج پناهجویان را تقویت و یاری دهد.

اسماعیل مولودی، دبیر  
همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی  
واحد سوئد

دولت سوئد اخیراً اعلام داشته که تصمیم دارد قریب به ۴۰۰۰ پناهجوی کرد عراقی را از سوئد اخراج نماید. دولت سوئد و اداره امور مهاجرین طبق نظر خود تشخیص داده اند کردستان عراق امن است و پناهجویان کرد عراقی که در یکسال اخیر به سوئد آمده اند مورد قابل قبولی برای پناهندگی ندارند.

اولاً همه مردم دنیا آشنا به رفتار غیر انسانی دولت سوئد با پناهجویان هستند و تا کنون چند بار سازمان حقوق بشر دولت سوئد را بخاطر زیرپا گذاشتن حقوق پناهجویان و بچه هایشان محکوم کرده است. دلیل اخیر دولت سوئد یکی دیگر از این نوع برخوردهای غیرمسئولانه به وضعیت پناهجویان عموماً در سوئد و بخصوص در مورد کردهای عراق است. دوماً این واضح و روشن است که دولت سوئد با همکاری سازمانهای مسلح کرد عراق تلاش میکند فقر و بی حقوقی که بر مردم کردستان عراق در طول ده سال حکومت این گروههای مسلح را لاپوشانی کند. دولت سوئد تلاش میکند که بدین وسیله حاکمیت گروههای مسلح

## ادامه دیدار ما در برلین!

جنگ، اعدام و ترور به کشورهای پناهنده پذیر پناه آورده‌اند، است. در این روز هزاران پناهجوی زن و مرد، کودک و نوجوان که از دست اسارت و شرایط پلیسی و امنیتی، فقر و ناداری، از زیر تیغ اعدام و سنگسار به آلمان آمده‌اند تجمع خواهند کرد تا به قوانین ضد پناهندگی دولت حاکم در آلمان اعتراض کنند.

رژیم کثیف اسلامی ایران، مسبب فرار میلیونها پناهجو و مهاجر ایرانی است که در کشورهای مختلف دنیا زندگی میکنند. فرار از دست جانیان و قاتلین جمهوری اسلامی، فرار از دست سنگسار و اعدام و مجازات اسلامی قصاص و شلاق در ملاعام، در آلمان تبدیل به اسارت و ماندن در پشت درهای مراکز پناهندگی شده است. حرمت و شخصیت انسانی پناهجویان در گرو معاملات دیپلماتیک، مانورهای سیاسی و رایزنی مقامات دولتی آلمان شده است. رژیم کثیف اسلامی، رژیم

صد هزار اعدام و مسبب ناداری و فقر میلیونی در ایران، رژیم زنان و رژیم سنگسار و ضد زن، رژیم حامی تروریسم بین المللی از نظر مقامات دولتی آلمان "اصلاح" پذیر معرفی میشود! و ایران را کشوری "امن" اعلام میکنند! و دسته دسته پناهجویان ایرانی را از حق اقامت دائم و حق پناهندگی محروم میکنند. امروز فعلا منافع اقتصادی و سیاسی دولت آلمان حکم میکند که اعلام کند ایران "امن" است. و حکم اخراج و عدم پذیرش حق پناهندگی به بیشتر از ۹۹ درصد میرسد.

«تو شیلی وزیر کشور دولت حاکم ائتلاف سوسیال دمکرات و سبزه‌ها، با قوانین جدید حق مهاجرت به

آلمان عملا، شرایط وارد شدن و قبول حق پناهندگی را ملغی کرده است. تصمیم «تو شیلی راسیسم دولتی حزب حاکم است. احزاب راست «سوسیال مسیحی» و «دمکرات مسیحی‌ها» هم از طرح شیلی بیشترین استقبال را کرده‌اند. عملا خطر دیپورت و عدم پذیرش حق پناهندگی سرنوشت هزاران پناهجو را در معرض خطر جدی قرار داده است.

در شرایط کنونی و بعد از ۱۱ سپتامبر خونین و وقایع تروریستی جریانات اسلامی در امریکا، دولت آلمان با شدت بخشیدن به فضای راست و خارجی ستیزی اقدام به بستن مرزها کرده‌اند، اکنون در پارلمان آلمان اجرای مصوبات علیه پناهندگان از فضای سیاسی تصویب قوانین پیشنهادهای شیلی راست‌تر و هیستریک‌تر عمل میکنند.

تنها یک راه حل عملا برای نجات از این وضعیت باقی است.

بسیج وسیع پناهجویان، حمایت همه جانبه احزاب سیاسی و سازمانهای طرفدار حقوق پناهندگی، از حق پناهندگی و دامن زدن به اعتراضات وسیع و پیگیر علیه قوانین در حال اجرا علیه پناهجویان میباشد.

روز ۲۹ سپتامبر میتواند آغاز خوب و موثری برای شروع مجدد مبارزه علیه نقض حقوق مدنی پناهجویان باشد.

حزب کمونیست کارگری بعنوان مدافع پیگیر حقوق پناهندگی بیشترین حمایت را از آکسیونهای فدراسیون پناهندگان ایرانی، پناهجویان و آکسیونهای اعتراضی اعلام میکند. و به مردم آزادخواه واحدهای حزبی فراخوان شرکت هرچه وسیعتر در آکسیونها و مشخصا آکسیون ۲۹ سپتامبر را میدهد.

دیدار ما در "برلن، میدان الکساندر" ساعت ۱۲ ظهر!

ادامه

## تراژدی جدایی و طلاق زن در ایران!

دادم و حاصل ازدواج من پسری بی گناه بود. بعد از مدت یکسال متوجه شدم که این مرد همسر دیگری دارد. من به خاطر فرزندم سوختم و ساختم و بلاخره وقتی قدرتم برای فرار از آن جهنم به حدی رسید، به آلمان آمدم. با شناخت فعالین همبستگی به حقایق زندگی پی بردم. با فرزندم زندگی میکنم و سرنوشت رنجها و مبارزات زنان را با اشتیاق دنبال میکنم. اکنون دیگر به جرئت در مقابل چشم مردم دنیا میتوانم فریاد بزنم که اسلام و جمهوری اسلامی، بی حقوقی مطلق زن در ایران عامل بدبختی و فرار من بود. فقر و محرومیت و خرافات و فشار خارق العاده و عجیب برای به سازش واداشتن زنان زیر چتر اسلام زندگی زن را به جهنم بدل میکند. سرگذشت من گواه این حقیقت است.

کنم، نمی دانستم چه کاریاید بکنم، تنها ویی پناه. بعد از یک دعوی مفصل دوباره طلاق گرفتم و دوباره به منزل فامیلها پناه بردم چون دیگر پدرم مرا به خانه راه نمی داد. از همه می ترسیدم. بعد از چند ماه یکی از بستگان آمد و شروع کرد با من حرف زدن که تا کی اینطوری می توانی ادامه بدهی و تعریف در مورد یکی از دوستانش که در شهر دیگری زندگی می کند و ازدواج نکرده است. گفت برایت خانه اجاره میکند در همین شهر و همه چی برایت فراهم می کند و در ماه ده روز می آید پهلوی تو و بیست روز هم به شهر خودش می رود، چون دفتر کارش در آن شهر است و تنها عیبی که دارد بیست سال از تو بزرگتر است.

پس از رفت و آمدهای مکرر من به ازدواج با این مرد تن

## کنفرانس مطبوعاتی در دفاع از حق پناهندگی در برلین

همبستگی\_فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد آلمان در ادامه این کنفرانس مطبوعاتی همراه با سایر سازمانهای مدافع حقوق پناهندگی اقداماتی را در دستور کار خود گذاشته است. از جمله: - روز جمعه ۲۸ سپتامبر نشست با مقامات دولتی و پارلمانی آلمان داشته که قرار است در این نشست نماینده وزیر داخله، مسئول کمیسیون پناهندگی در پارلمان آلمان، مسئول کمیسیون تدوین قوانین مهاجرت، نماینده کمیسیون حقوق بشر در پارلمان، دبیر حزب سبزه‌های آلمان، نماینده پارلمانی حزب سبزه‌ها، یکی از نمایندگان سنای برلین و تعدادی دیگر از نمایندگان پارلمان حضور داشته باشند. مریم نمازی دبیر فدراسیون نیز در این نشست شرکت خواهد کرد. همچنین روز شنبه ساعت ۱۲ ظهر نیز تظاهراتی در میدان الکساندرپلاتز سازمان داده شده است، که مسئولین فدراسیون در این مراسم نیز سخنرانی خواهند کرد.

همبستگی\_ فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد آلمان ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱

انسانی در جهت نقض حقوق پناهندگان دانست. پس از آن "کریستوفا ساون" از انجمن پناهجویان برلین درباره تناقضات سیاستهای دولت آلمان با قوانین بین المللی و ضرورت ادامه مبارزه تا کسب حق عادلانه پناهندگی برای پناهجویان صحبت کرد. به دنبال آن فرهاد حسینی معاون دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی ضمن افشای سیاستهای ضد پناهندگی دولت آلمان به حمایت و فعالیتهای بین المللی دبیرخانه سراسری فدراسیون در این خصوص پرداخته و در این رابطه تاکید کرد که دبیرخانه فدراسیون مصمم است در دو سطح سیاسی و حقوقی کمپین دفاع از حق پناهندگی در آلمان را به پیش برد. در عرصه سیاسی دبیرخانه مجموعه آکسیونهای سراسری را علیه دولت آلمان در اروپا و سایر کشورها سازمان داده و در سطح حقوقی تلاش میشود تا از دولت آلمان بخاطر نقض تعهدات بین المللی در خصوص پناهندگان به دادگاه اروپایی حقوق بشر در فرانسه و سازمان ملل شکایت کند. این کنفرانس مورد توجه و استقبال تعدادی از روزنامه های محلی و سراسری آلمان قرار گرفت.

کاروان دفاع از حقوق پناهندگی بودند. در این کنفرانس در ابتدا نسرین رضانعلی دبیر فدراسیون در آلمان به معرفی کمپین، اهداف و سیاستهای آن پرداخته و در ادامه به نقد سیاستهای دولت آلمان در سختتر کردن شرایط پناهندگی برای پناهجویان و پناهندگان پرداخته و سپس به پیامدهای فاجعه تروریستی ۱۱ سپتامبر در محدودتر شدن بیشتر حقوق پناهندگی در آلمان پرداخت. بدنبال آن "سنفو تنکام" از انجمن پناهندگان آفریقایی در انتقاد از سیاستهای تبلیغی دولت آلمان علیه پناهندگان خصوصا پس از فاجعه ۱۱ سپتامبر پرداخته و آثرا اقدامی ضد

کنفرانس مطبوعاتی در دفاع از حق پناهندگی در برلین به دنبال شروع کمپین دفاع از حق پناهندگی در آلمان، امروز در شهر برلین کنفرانس مطبوعاتی در این خصوص سازمان داده شد. در این کنفرانس که از ساعت ۱۰ صبح در دانشگاه برلین برگزار شد، نمایندگان چند سازمان نیز به اتفاق همبستگی\_فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی شرکت داشته و به دفاع از حق پناهندگی پرداختند. از جمله سازمانهای شرکت کننده در این کنفرانس انجمن پناهندگان آفریقایی، سازمان دفاع از حقوق بشر برمن،

از سایت همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان

دیدن کنید

[www.hambastegi.org](http://www.hambastegi.org)

جدیدترین اطلاعاتی های فدراسیون، جدیدترین شماره نشریه همبستگی، آخرین اخبار و رویدادهای پناهندگی و مقالات متنوع دیگر را میتوانید مطالعه کنید.

## زندگی من در آتش اسلام سوخت!

اطاق عقب بهتر است. ولی اگر بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند.» اینها کلماتی نیست که برکاغذ می‌نشیند، تا چیزی نوشته شود. نه! اینها سرنوشت شوم و وحشتناک زندگی زنان در سایه اسلام است. اینها زندگی من است! زندگی امثال من است.

زندگی من در میان بی حقوقی کامل، خشونت و تحقیر گذشت. من به این تحقیر پشت کردم. وقتی فرار کردم علت رنجهایم را نمی‌شناختم. در اروپا با فدراسیون و به طور اتفاقی همینطور با حزب کمونیست کارگری آشنا شدم. برنامه دنیای بهتر کلید جواب سئوالات من بود. من مثل هزاران زن و مرد دیگر برای تغییر این دنیایی که با من چنین کرد از پا نمی‌نشینم. این را دیگر خیلی خوب میدانم. ستم به من به عنوان یک کودک به عنوان یک زن و اعتراض من علیه این وضع با نفرت از مذهب و اسلام شروع شد. نفرت من از اسلام به باور و عشق من به کمونیسم ختم شد.

اسلامی ام. قربانی دسیسه های مذهبی، قربانی صواب! قربانی واجب، قربانی مستحب! قربانی حرام! این کلمات قصار را من از رساله خمینی و کتب اسلامی بیرون کشیده ام. در لابلای این کلمات بود که زندگی امثال من سوزانده شده خاکستر شده است.

رساله خمینی، مسأله ۲۴۸۸، «ب» «مستحب است در شوهر دادن دختری که بالغه است، یعنی مکلف شده است عجله کنند، حضرت صادق علیه السلام فرمود یکی از سعادت‌های مرد آنست که دخترش در خانه از حیض نبیند!» «از بی لباسی برای نگهداری زنان کمک جویند، زیرا زن وقتی لباس فراوان و زینت کامل دارد مایل به بیرون رفتن است! نهج الفصاحه کلمات قصار رسول اکرم (ص) مترجم ابوالقاسم پاینده - انتشارات جاویدان.

رساله خمینی، مسأله ۸۹۴: «برای زنها نماز خواندن در خانه، بلکه در صندوقخانه و نشستنند و مرا برای صدمین بار نصیحت کردند و پدر خانواده گفت که یا باید برگردی با شوهرت زندگی کنی یا باید دوباره با یکی دیگر ازدواج کنی همیشه همیشه منزل این یا اون باشی. فشاری که روی من بود را در این جملات نمیتوانم برایتان بازگو کنم. همیشه میگویند چرا خود زنها تحمل ستم مرد را میکنند، من نمونه زنده جواب به سئوالات این مردم. به خدا من خیلی جنگیدم. من در یک جنگ نابرابر که تمام دنیا علیه من بود، بعد از ماهها و در حالیکه خود را خسته و از پای در آمده میدیدم تسلیم شدم. جبهه ای که من در مقابلش

می‌آیی، بعدها فهمیدم چرا میگویند خوب که سالم است انشالله بعدی پسر باشد. از ۷ سالگی به کارهای سنگین خانه پرداختم و بچه داری کردم تا سن ۱۱ سالگی که مرا برای پسر عموم نامزد کردند و در نهایت، در سن ۱۴ سالگی ازدواج کردم. تا آن موقع دو بچه برای مادرم بزرگ کرده بودم و در سن ۱۶ سالگی خودم یک مادر بودم. به من به حکم قوانین اسلام رسماً و علناً و بدون اینکه کسی فریاد رنج و دردم را بشنود تجاوز شد. اشتباه نکنید منظوم تجاوز جنسی فقط نیست به همه چیز من به جوانیم به کودکیم به احساس اعتماد به شخصیتیم به همه چیزم تجاوز شد. داستان بلوغ من داستانی دردناک از میان سوره ها و قوانین کثیف اسلام بود. ۱۶ سالگی مادری بودم که خودم احتیاج به مادر داشتم. چیزی را نیاز داشتم که فرزندم هم نیاز داشت. و من در این چیزی جز جنایت نمی‌بینم. من یکی از هزاران و میلیونها زن قربانی جنایت

باشند. بخاطر می‌آورم؛ کابوسهایم را، عبارات مذهبی که چون بختک سیاه همه گذشته ام را پوشانده است، در سرم چیزی چون گردبادی شوم می‌پیچد! «تو دیگر بزرگ شده ای، بالغ شده ای، حجاب داشته باش، باید نماز بخوانی و روزه بگیری!»! چقدر از این بزرگ شدن متنفرم، به دور و برم می‌نگرم بچه هایم را می‌بینم، عاشق بزرگ شدنند، خوش به حالشان. اسلام این خوشحالی دوران کودکی مرا زدیده است.

بزرگ شدن اما برای امثال من مقدمه دوران وحشتناک دیگری است، «شوهرت می‌دهند!» او کیست؟ چه می‌تواند باشد؟ او هم "بزرگ" شده است؟! و البته "غیرتی"! و اینها همه، داستان نیست، اینها همه واقعیت است، شلاق است، دست درازی هر لحظه به نهانی‌ترین احساسات بشریت است! نه به بزرگ شدن هم مربوط نبود. وقتی فقط نگاه وسیله ارتباط من با دنیای خارج بود. وقتی تازه دنیا

مونا موسوی عضو حزب کمونیست کارگری ایران و از فعالین همبستگی و چهره شناخته شده ایی در میان پناهجویان در کشور سوئد است. با تلاش و مبارزه مونا موسوی تا کنون چندین دفتر فدراسیون در سوئد گشایش یافته و محل کمک و همیاری به پناهجویان بوده است. با توجه به حجم زیاد و وسیع نامه های رسیده برای این صفحه همبستگی هفتگی سرگذشت زندگی و فرار سودابه عبدالملکی را هم درج میکنیم.

### مونا موسوی

زندگی من در آتش اسلام سوخت! بعنوان مادری که سه فرزند دارد، به زندگی خود و زندگی میلیونها زن نگاه می‌کنم. به گذشته خود برمی‌گردم، به راهی که آمده ام، راهی که پس پشت نهاده ام بی آنکه خواسته باشم! و اینکه فرزندان من و میلیونهای دیگر نباید ادامه دهند اش

## تراژدی جدایی و طلاق زن در ایران!

تسلیم شدم اما حرف مردم نبود، فقر و بی پناهی مالی بود. اگر واقعاً من میتوانستم کلیم خودم را از آب بکشم، میتوانستم خانه ایی و غذایی داشته باشم، کودکم گرسنه نباشد، میجنگیدم و تسلیم نمی‌شدم. ولی من تا زبانم به دفاع از خودم باز میشد، وسایلم را جمع میکردند که برو. من دوباره با همان مرد ازدواج کردم. شما نمیدانید در رابطه ایی که یک طرف آن میداند که شما چاره ایی به جز تحمل ندارید، چه جهنمی دارید. یک سال گذشت. وضع از گذشته هم طاقت فرساتر بود. دیگر نمیشد و نمی‌توانستم تحمل

شده بودند، جنگ قبلی من بیشتر در چهار دیوار خانه بود حالا همه جا از خانه تا خیابان و بازار و غیره مشغول جنگ بودم. جنگ برای ادامه حیات. خلاصه یک سال در منزل پدرم ماندم، من در منزل پدرم عذاب زیادی کشیدم مثل این بود که دیگر بچه آنها نبودم با یک غریبه فرقی نداشتم. پدرم خیلی سعی کرد مرا پس بفرستد و چون من زیر بار نمی‌رفتم خیلی مرا دعوا می‌کرد. یک روز دیگر جان به لبم رسید خیلی خسته شدم و به منزل یکی از فامیلها پناه بردم چند ماهی آنجا بودم، ولی آنجا هم نمی‌شد که بمانم. یک شب همه

رسیدند. خلاصه بعد از چهار سال، که عمری بود با یک دختر سه ساله از او جدا شدم. بعد از جدایی پدرم دست از سرم برنمیداشتم، فشار خرافات ضد زن و عقب مانده، مذهبی و زوری باعث شده بود خانواده ام به من فشار می‌آورد که ازدواج کنم. همه مواظب من بودند که من تنها از خانه بیرون نروم و همیشه به من می‌گفتند تو سنتها را شکسته ایی تو آبروی ما را برده ای و همه می‌گویند که دختر فلانی که طلاق گرفته حتما خودش اشکالی داشته است. بعضی وقتها به خود میگفتم. پس این جنگ در واقع بعد از طلاق تازه شروع شده است. شوهر که داشتم یک آقابالاسر داشتم، حالا از مردم محل تا مسجد و تکیه و فامیل و دوست و آشنا آقا بالاسر من

رسیدند. خلاصه بعد از چهار سال، که عمری بود با یک دختر سه ساله از او جدا شدم. بعد از جدایی پدرم دست از سرم برنمیداشتم، فشار خرافات ضد زن و عقب مانده، مذهبی و زوری باعث شده بود خانواده ام به من فشار می‌آورد که ازدواج کنم. همه مواظب من بودند که من تنها از خانه بیرون نروم و همیشه به من می‌گفتند تو سنتها را شکسته ایی تو آبروی ما را برده ای و همه می‌گویند که دختر فلانی که طلاق گرفته حتما خودش اشکالی داشته است. بعضی وقتها به خود میگفتم. پس این جنگ در واقع بعد از طلاق تازه شروع شده است. شوهر که داشتم یک آقابالاسر داشتم، حالا از مردم محل تا مسجد و تکیه و فامیل و دوست و آشنا آقا بالاسر من

### سودابه عبدالملکی

من زنی ۴۴ ساله هستم که در ۱۶ سالگی با مردی ازدواج کردم که پدرش از دوستان نزدیک پدرم بود، پدرم خیلی مایل بود که من با پسر دوستش که مردی تحصیل کرده بود ازدواج کنم. تمام افتخار مذهبی این مرد مشروب نخوردنش بود. من با فشار خانواده مجبور به ازدواج با این مرد شدم. بعد از ازدواج فهمیدم که او بیماری روحی دارد، هر شب مرا کتک می‌زد و بعد ساعتها با من گریه می‌کرد. بارها تصمیم به جدایی گرفتم ولی با مخالفت خانواده ام روبه رو شدم. چند بار دست به خودکشی زدم ولی هر بار موفق نمی‌شدم. چون خانواده اش خیلی مواظب من بودند و زود به داد من می